



۱۹ بهمن

یاد جاوید شهدای ۱۶ آذر ۱۳۲۲ . رضوی قندچی و بزرگ نیا گرامی باد!

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران ، شماره ۴۹ - ۱۵ آذر ۱۳۸۵

ایجاد سندیکا مساوی با "اخلال در امنیت کشور" است!

هم در حالی که منصور اسانلو صراحتاً وفاداری خود به نظام حاکم را اعلام نموده و تأکید کرده که هیچگاه قصد سرنگونی این رژیم و "ایجاد اخلال در امنیت" آنرا را نداشته و ندارد. بطور مثال در نامه ای که چندی پیش از قول وی در تشریح اوضاع وحشتناک زندگی او و خانواده اش و رفتار رعب برانگیز روزمره دستگاه سرکوب رژیم با ایشان خطاب به "ریاست محترم هیات بازرسی و حفظ حقوق شهر وندی" انتشار یافته، اسانلو با شرح گوشه ای از اقدامات وحشیانه رژیم و سربازان گمنام امام زمانش در حق خود و خانواده اش تأکید کرده که "من کشورم و انقلاب و نظام را دوست دارم. اما می خواهم اشکالات و موارد خلاف قانون و خلاف نص انقلاب مثل استقلال، آزادی در جمهوری اسلامی اصلاح شود و مردم مستضعف در کشور خودشان احساس راحتی و خوشبختی و سرپرندی کنند".

(ادامه در صفحه ۲)

گردانندگان این نظام یعنی سرمایه داران وابسته غارتگر توان و ظرفیت تحمل کوچکترین خواستهای صنفی و عادلانه میلیونها تن از شهروندان زحمتکش یعنی طبقه کارگر ایران را نداشته و به همین خاطر از اعمال هیچگونه جنایت و ردالتی برای خاموش کردن مبارزه آنها خودداری نمی ورزد. کارگزاران جمهوری اسلامی اتهام اسانلو را از جمله، "ایجاد تشکل سندیکایی" و "اخلال در امنیت کشور" عنوان کرده اند. **نخستین سوالی که به ذهن هر انسان آزادخواهی متبادر می گردد این است که براساسی این کدام نظام و حکومتی ست که در آن طرح بدیهی ترین خواستهای صنفی و انسانی میلیونها تن از شهروندانش آن هم به مسالمت جویانه ترین طریق ممکنه، مساوی با "اخلال در امنیت کشور" تلقی می گردد. آن**

رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۲۹ آبان ماه منصور اسانلو، یکی از فعالین ایجاد سندیکای غیر دولتی کارگران شرکت واحد را توسط مزدوران لباس شخصی خویش از خیابان ربوده و به سیاهچالهای خود منتقل کردند. این فعال کارگری در دسامبر سال میلادی گذشته توسط مزدوران حکومت دستگیر و پس از سپری کردن قریب به ۸ ماه در زندان با قرار وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی آزاد شده بود. دستگیری مجدد اسانلو و تداوم آزار و اذیت فعالین کارگری در سراسر کشور، اعتراض و خشم افکار عمومی را برانگیخته و نه تنها ماهیت ضد خلقی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را در افکار عمومی نشان می دهد، بلکه گوشه دیگری از عمق دیکتاتوری و سرکوب نظام استبدادی ای را به نمایش می گذارد که برای حفظ منافع غارتگرانه

روز دانشجو و تشدید مبارزات دانشجویی

در روزهای اخیر و با نزدیک شدن روز دانشجو موجی از اعتراضات و مبارزات دانشجویی بسیاری از دانشگاه های کشور را دربر گرفته است. دانشجویان مبارز در دانشگاه های تهران، پلی تکنیک، علامه زاده، یزد، علوم پزشکی و آزاد لرسنجان، سبزواری، همدان، تربیت معلم و ... با خواستهای گوناگون از اعتراض به کمبود امکانات صنفی و اعتراض به خفقان و سرکوب گرفته تا اعتراض به اخراج دانشجویان مخالف و منتقد حکومت، بار دیگر دانشگاه ها را به سنگر مبارزه و مقاومت تبدیل کردند. بطور مثال در پلی تکنیک، دانشجویان مبارز، در اقدامی هماهنگ و متحدانه وزیر علوم را به کلاسهای درس راه ندادند و در روز ۱۵ آذر نیز صدها تن از دانشجویان در دانشکده فنی دانشگاه تهران تجمع کرده و با سردادن شعار و حمل پلاکاردهایی که از جمله بر روی آنها نوشته شده بود: "آزادی، برابری"، "دانشگاه پادگان نیست"، "من اگر برخیزم، تو اگر برخیزی، همه برمی خیزند"، "سوسیالیسم یا بربریت" و... یکبار دیگر یاد جاوید رهبران و الهام دهندگان خویش یعنی دانشجویان شهید در تظاهرات ۱۶ آذر دانشجویی بر علیه امپریالیسم امریکایه هنگام ورود معاون دولت وقت امریکا، نیکسون به ایران در بعد از کودتای ۲۸ مرداد بدست مزدوران شاه را گرامی داشتند. ■

دلار یا یورو. جلوه ای از رقابت ها و تنشهای فی مابین امپریالیست ها

تداوم بحران اقتصادی گریبانگیر نظام سرمایه داری در سطح جهان و تشدید رقابت اقتصادی بین امپریالیسم امریکا با سایر قدرتهای جهانخوار هرروز باجلوه های جدیدتری در عرصه های مختلف نمودار می گردد.

(ادامه در صفحه ۳)



ایجاد سندیکا مساوی با

"اخلال در امنیت کشور"...

ادامه از صفحه ۱

دستگیری و زندانی کردن مجدد اسانلو در شرایطی صورت می پذیرد که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که با موج سنگینی از اعتراضات کارگران مبارز و بجان آمده در سراسر کشور روبروست، بر شدت سرکوب و پیگرد فعالین کارگری افزوده و در همان حال از هیچ کوششی برای نفوذ در میان کارگران و به انحراف بردن مسیر مبارزات آنان خودداری نمی کند. بدون شک برای تمامی فعالان مبارز در راه آزادی طبقه کارگر در شرایط فعلی، مبارزه برای تحقق کوچکترین خواسته های صنفی کارگران، آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران دستگیر شده و محکوم کردن تمامی اقدامات ضد کارگری حکومت، یک وظیفه انقلابی ست. اما آنچه در این میان و در جریان مبارزه جاری باید به مرکز ثقل تبلیغات و تلاش های کارگران آگاه و مبارز تبدیل گردد، عبارت از تشریح و تبلیغ این واقعیت است که در شرایط وجود نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، نظامی که روینای آن را یک دیکتاتوری شدیداً وسیعاً قهر آمیز تشکیل می دهد و با استفاده از ارتش و سپاه پاسداران و بسیج و سازمان اطلاعات خود هر گونه اعتراض کارگران را سرکوب کرده و حتی کمترین اعتراض صنفی کارگران را بر نمی تابد؛ نظامی که برای تامین منافع غارتگرانه یک طبقه معدود و انگل صفت یعنی سرمایه داران وابسته، حاضر به انجام هر گونه جنایت و

اقدام سرکوبگرانه ای بر علیه اکثریت بلامنازع جامعه یعنی کارگران و زحمتکشان ماست؛ اعتراضات جاری و برحق کارگران زمانی نتایج واقعی و مثمر ثمر خود را ارائه خواهد داد که به کانال مبارزه ای قهر آمیز و توده ای برای سرنگونی حکومت و تمامیت چنین نظام استثمارگرانه و جهنمی ای سرازیر گردد.



در شرایط کنونی باید توجه کنیم که از یکطرف وقوع صدها حرکت اعتراضی کارگران بجان آمده تنها در ماه گذشته (**اعتصاب کارگران کاشی سمند سمنان، تجمع کارگران صندوق نسوز کاوه، اعتراض کارگران کوره پزی پاکدشت، تجمع کارگران فرش البرز بابلسر و درگیری با نیروهای انتظامی، اعتراض کارگران پنگوئن رشت، تجمع کارگران بافکار تهران و ناز نخ قزوین، اعتراض کارگران نساجی کردستان، اعتصاب رانندگان اتوبوس خط واحد**

تبریز، اعتصاب، اعتراض و تجمع کارگران در بوشهر، خرمشهر، کرمانشاه، همدان و ...) که خواسته های اکثر آنان پرداخت حقوق های به تعویق افتاده، اعتراض به اخراج های دستجمعی، بهبود شرایط غیر انسانی حاکم بر محیط کار، تعدیات وحشیانه سرمایه داران و صاحبان زانو صفت و وابسته کارگاه ها و کارخانه ها، اجرای قانون کار و ... گوشه ای از شرایط هلاکت بار و انفجاری کارگران ما تحت حاکمیت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را نشان می دهد. از سوی دیگر سران و گردانندگان این حکومت که رسالتی جز حفظ منافع سرمایه داران وابسته غارتگر و اربابان آنها ندارند، ضمن تضمین شرایط وحشیانه استثمار و بهره کشی از کارگران در محیط های کار، هر گونه اعتراض کارگران را با حربه چماق و سرکوب و زندان پاسخ داده و با بریدن زبان، تعقیب و پیگرد و شکنجه و ترور کارگران مبارز و خانواده های آنان می کوشند تا جنبش کارگران را مرعوب و خفه سازند. در همانحال نیز دشمنان کارگران از هیچ گونه تاکتیک پلیسی دیگر نظیر ایجاد "نهادهای کارگری" دست ساخته، نفوذ در میان صفوف کارگران مبارز، ساختن و پروردن "رهبران" دروغینی که در ظاهر حرف دل کارگران را زده و در باطن خدمتگزار نظام حاکم می باشند و ... خودداری نمی کنند. واقعیتی که اوج پیچیدگی ضد انقلابی و تلاش دشمنان ما را نشان داده و در همان حال عمق هراس آنان از پتانسیل انقلابی ای که در رشد اعتراضات و جنبش های انقلابی کارگران خوابیده است را به نمایش می گذارد. ■

دانشجویان وی را بویژه در میان دانشجویان مبارز این دانشگاه شهره عام و خاص نموده است. جریان این جنایت وحشیانه به این صورت بود که در حالی که توحید غفارزاده به همراه دانشجوی دختر دیگری که نامزدش بود در ایستگاه اتوبوس ایستاده بود، مزدور بسیجی به او نزدیک شده و پس از پرسیدن نسبت این دو دانشجو و یک مشاجره چند ثانیه ای چاقو را بیرون آورده و در سینه مقتول فرو می کند. انعکاس این خیر خشم و نفرت دانشجویان در شهر سبزوار را (ادامه در صفحه ۲)

جنایتی فجیع در سبزوار!

روز ۲۹ آبان ماه مزدوران بسیج جمهوری اسلامی جنایت دیگری را در دانشگاه تربیت معلم سبزوار آفریدند. در این تاریخ یکی از دانشجویان دانشگاه آزاد سبزوار به نام توحید غفار زاده در میان بهت و حیرت عابران و در مقابل چشمان وحشت زده نامزدش توسط یک بسیجی به ضرب چاقو به قتل رسید. قاتل یکی از مزدوران بسیج دانشگاه بود که سابقه شرارت های او و اذیت و آزار



دلار یا یورو، جلوه ای از رقابت ها و تنش های

فی مابین امپریالیستها

از صفحه اول

در زمینه مالی، تضعیف موقعیت دلار آمریکا در مقابل یورو و تأثیرات این واقعیت در توازن قدرت اقتصادی موجود در میان امپریالیستهای آمریکایی و اروپایی یکی از عرصه های متجلی شدن رقابت حاد و تضادهای شدید فی مابین آنهاست.

ادامه سقوط ارزش دلار در هفته های اخیر در برابر سایر ارزهای بین المللی و بویژه در مقابل یورو، با واکنشهای متعددی از سوی مقامات اروپایی و بویژه مسئولین مالی اتحادیه اروپا روبرو شده است. سقوط ارزش دلار در برابر سایر ارزها و بویژه یورو از ماه اکتبر تاکنون ادامه یافته و در این فاصله دلار ۵ درصد از ارزش خود را از دست داده است. نرخ برابری دلار در برابر یورو از آغاز سال میلادی جاری ۱۳ درصد سقوط کرده است. بطور کلی از سال ۲۰۰۰ تاکنون دلار آمریکا نزدیک به نیمی از ارزش خود در مقابل یورو را از دست داده است. روند فوق نشانده دیگری از تضعیف مداوم موقعیت دلار آمریکایی بعنوان واحد پول مسلط در بازارهای جهانی بویژه در ظرف ۳۰-۴۰ سال اخیر و به این اعتبار کاهش چشمگیر قدرت مالی آمریکا در رقابت با رقبای خویش می باشد. تا جایی که برخی از کارشناسان نظام مالی امپریالیستی بویژه در "منطقه یورو" (رقبای اروپایی امپریالیسم آمریکا) با مشاهده این روند از "سقوط دلار نیرومند" سخن گفته و به بررسی عواقب و "چشم اندازهای" ناشی از این روند برای دولتهای متبوع خود پرداخته اند. در همین رابطه "کریستین ریرمان" در مقاله ای به نام اقتصاد جهانی به بررسی این مساله پرداخته و از قول "جین کلاود تریخت"، رییس بانک مرکزی اروپا و برخی دیگر از مقامات و کارشناسان مالی اروپا می گوید از نظر آنان در بازارهای جهانی "نقش ارز آمریکایی (دلار) بعنوان ارز اصلی، اهمیت قبلی خود را از دست داده است". نویسنده در این مقاله با درج برخی نگرانی ها در میان کارشناسان مالی اروپایی در رابطه با عواقب تداوم سقوط ارزش دلار در بازارهای جهانی در مقابل ارزش یورو و امکان تأثیر گذاری این روند در وقوع یک رکود اقتصادی دیگر در بازارهای اروپایی، مطرح می سازد که کاهش رشد اقتصادی آمریکا و کسری بی سابقه بودجه دولت فدرال، افزایش "سرمایه گذاری" در منطقه "یورو" و از دست دادن "جذابیت" قبلی بازارهای آمریکا برای سرمایه گذاران در سالهای اخیر، در کنار مجموعه ای از عوامل دیگر باعث شده که روند سقوط نرخ برابری دلار در مقابل یورو برغم برخی عواقب منفی، اقتصاد "منطقه یورو" را با یک بحران مواجه نسازد. واقعیت وخامت اوضاع اقتصادی آمریکا در مقابل رقبا آنقدر روشن است که یکی از کارشناسان اقتصادی ارشد موسسه تحقیقات اقتصادی آلمان به نام استینخراز "ضعفهای بنیادی اقتصاد آمریکا"، سخن می گوید.

در سالهای اخیر آمار منتشره نشانگرگرایش فزاینده سرمایه گذاران خارجی به خارج کردن سرمایه ها از آمریکا و اقدام به سرمایه گذاری در سایر بازارها به منظور تضمین حد اکثر سود بری می باشد. برای دریافت بهتر حقیقت بد نیست اشاره شود که در سالهای قبل از آغاز

روند کنونی در بازارهای جهانی بر اساس برخی گزارشها بطور متوسط روزانه ۲ میلیارد دلار سرمایه وارد آمریکا می شد و علاوه بر آن وابستگی صادرات کشورهای اروپایی و در راس آنها صادر کنندگان آلمانی به بازارهای آمریکا نقش بسیار مهمی در رقابت اقتصادی بین امپریالیستها به آمریکا می داد. اما در سالهای اخیر بموازات افول قدرت اقتصادی آمریکا در مقایسه با امپریالیست های اروپایی و سیاست های یکجانبه دولت آمریکا برای کسب موقعیت برتر اقتصادی، رقم فوق،



بشدت نزول کرده است و به استثنای صنایع اتومبیل رانی، تنها نزدیک به ۱۰ درصد صادرات دولت آلمان متوجه بازارهای آمریکاست. در این حال ۴۰ درصد از کل صادرات کالا و خدمات دولت آلمان متوجه "منطقه یورو"، ۱۳ درصد به کشورهای اروپای شرقی و ۹ درصد صادرات نیز به کشورهای آسیایی است. واقعیتی که بنوبه خود نشانگر کاهش اهمیت بازارهای آمریکا در مبادلات اقتصادی آلمان و به همین ترتیب دولتهای اروپایی و همچنین تداوم تغییر موازنه در قدرت اقتصادی بین امپریالیسم آمریکا و رقبای اروپایی در سطح جهانی می باشد.

دولت بوش در سالهای اخیر با دست زدن به یک سری اقدامات یک جانبه، نظیر تصویب قوانین یکطرفه به ضرر سایر قدرتهای سرمایه داری در بازارهای جهانی، تشدید تحرکات نظامی و تهدید رقبای خود کوشیده است تا موقعیت اقتصادی خود را در بازارهای داخلی و بین المللی را بزور بهبود بخشد. ■

جنایتی فجیع در سبزوار...

از صفحه ۲

برانگیخت و به اعتراضات وسیع آنها به مقامات حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی انجامید. ابعاد اعتراضات عمومی به مقامات حکومت در رابطه با این جنایت رذیلانه به جایی رسید که حتی معاون حقوقی وزیر علوم جمهوری اسلامی نیز مجبور به موضع گیری شد و با وقاحت تمام ضمن بی اهمیت خواندن این قتل، ادعا کرد که قاتل از اعضای بسیج نبوده بلکه فردی روانی بوده است. این دروغهای رسوا در شرایطی عنوان شد که تمامی دانشجویان دانشگاه قاتل مزبور را به خوبی می شناسند و از هویت بسیجی و مزدور بودن او آگاه بوده و سابقه اعمال سرکوبگرانه وی در حق دانشجویان دانشگاه را بخوبی بیاد دارند. جنایت اخیر در حق دانشجوی مزبور در سبزوار انزجار افکار عمومی در سراسر کشور نسبت به این جنایت نیرو های بسیج دانشجویی و حامیان مزدور آنان یعنی کاریدستان جمهوری اسلامی را بر انگیخت و به موجی از یک اعتراض همگانی در دانشگاه های کشور دامن زد. ■



تداوم فشارهای آمریکا به رقبای خود در ایران

در چارچوب جنجال اتمی مربوط به "پرونده هسته ای" جمهوری اسلامی و بدنبال اعمال فشارهای گوناگون دولت آمریکا برای متوقف کردن رقبای امپریالیست این کشور از سرمایه گذاری و گسترش بازارهای خود در ایران، دولت ژاپن در یک اقدام دیگر اعلام کرد که ده میلیارد دلار از مجموع سرمایه گذاریهای خود در بازار گاز و پتروشیمی ایران را تا اطلاع ثانوی متوقف خواهد نمود. فیومو هوشی، مدیر اجرایی "بانک همکاری بین المللی" ژاپن با اعلام این خبر اضافه کرد که دولت ژاپن تازمانی که "نتایج خوب" در مذاکرات دولت ایران با آمریکا و اتحادیه اروپا بدست نیاید این سرمایه گذاریها را متوقف خواهد نمود. به گفته این مقام ژاپنی، اقدام اخیر باعث می شود که جمهوری اسلامی در پروژه های خود "تجدید نظر" کند.

دولت ژاپن یکی از بزرگترین وارد کنندگان نفت در جهان می باشد و اقتصاد و رشد اقتصادی این کشور تا حد بسیار زیادی به تضمین واردات نفت از خاورمیانه و بویژه ایران بستگی دارد. اقدام اخیر دولت ژاپن در محدود کردن سرمایه گذاریهای غارتگرانه و سودجویانه خویش در بازار نفت و گاز ایران در شرایطی صورت می پذیرد که مقامات این کشور چندی پیش نیز در مقابل اخطار و زورگوییهای آشکار دولت بوش مجبور به عقب نشینی از "پروژه آزادگان" و کاهش سرمایه گذاری خود، از ۷۵ درصد به ۱۰ درصد در این پروژه شدند. اقدامی که عملاً تاکنون به تعلیق و توقف پروژه آزادگان انجامیده است. قرارداد آزادگان توسط دولت خاتمی مزدور، با سهل ترین شرایط با ژاپن منعقد شده بود و قرار بود که این پروژه تا سالها نفت ارزان غارت شده از ایران را در اختیار ژاپن بگذارد (شرایط اسارت باراین قرار داد آنچنان بود که درمیان مردم به "قرارداد ناصرالدین شاه" معروف شده بود). دولت

آمریکا زیر پوشش "مخالفت" با "دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی" شدیداً به فعالیت و اعمال فشار بر روی سایر دولتهای امپریالیستی ذینفع در ایران برای محدود کردن حوزه نفوذ و تسلط آنها و گسترش استیلای غارتگرانه خود در این بازار پرسود ادامه می دهد.

تشدید درگیری ها در افغانستان

مقامات آمریکایی با تاکید بر افزایش درگیریهای مسلحانه و تشدید تحرکات دارو دسته مزدور طالبان در افغانستان، بر ضرورت حضور ارتش اشغالگر آمریکا در "یک دهه آینده" در این کشور تاکید می کنند. با گذشت بیش از ۴ سال از لشکر کشی به افغانستان و اشغال این کشور از سوی آمریکا که به بهانه برقراری "صلح" و "دمکراسی" و "امنیت" برای مردم افغانستان - و در واقع از جمله برای تضمین حضور دراز مدت نظامی آمریکا در این منطقه- صورت گرفت، مقاومت و مبارزات مردم تحت ستم افغانستان بر علیه ظلم و سرکوب و حضور نیروهای اشغالگر به رهبری ارتش آمریکا در این کشور تشدید گشته است. در شرایطی که هر روز بر وسعت و شدت درگیریهای مسلحانه در این کشور بر علیه اشغالگران افزوده می گردد، مقامات آمریکایی ضمن اعتراف به "تشدید خشونتها" در افغانستان بویژه در منطقه تحت نفوذ طالبان در میان پشتوها، بدون انجام اقدامات جدی در این زمینه مکراراً بر ضرورت حضور دراز مدت آمریکا در افغانستان تاکید می ورزند. در همین رابطه مدیر آژانس دفاعی ارتش آمریکا، ژنرال مایکل میلس، اخیراً در گزارشی به کنگره آمریکا اظهار داشته است که "خشونتها در افغانستان در سال جاری نسبت به سال ۲۰۰۵ دو برابر شده است" و با پیش بینی این امر که مهاجمان در سال ۲۰۰۷ "از تاکتیکهای جدی تر و مرگبارتر" بر علیه نیروهای آمریکایی استفاده خواهند کرد، خواهان ادامه حضور و تقویت نیروهای آمریکائی در افغانستان شد.

در همین رابطه رییس سازمان سیا، مایکل هایدن نیز با تاکید بر "حضور طولانی مدت" آمریکا در افغانستان اظهار داشت که "از نظر من، تلاش های جاری در افغانستان به مدت زمان طولانی یعنی حداقل یک دهه و صرف میلیاردها دلار هزینه نیاز دارد و دولت افغانستان به تنهایی قادر نیست تا کاری انجام دهد". لازم به ذکر است که شواهد گوناگونی که بویژه در ماه های اخیر در مورد اطلاع مقامات آمریکایی از تلاشهای سازمان جاسوسی پاکستان برای حفظ و تقویت مزدوران طالبان علنی شده بشدت خشم مقامات افغانی در دولت دست نشانده کرزای را برانگیخته است تا جایی که آنها رسماً از دولت بوش خواهان دخالت در این قضیه و اعمال نفوذ بر دولت پاکستان برای قطع حمایتهای آن دولت از طالبان گشته اند.

"پیام فدایی"

بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره تلفن

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 7946494034

آدرس پست الکترونیک

e-mail : ipfg@hotmail.com

